

در حاشیه افتتاح خط ۲ مترو

ماموریت انجام شد
عمرأ به افتتاح برسه!

ساندویچ
یادتون رفت!

افتتاح خط ۲ مترو

مارا به سخت جانی خود
این گمان نبود

خوب گریم کن
جلوی شهردار مشهد
پیر به نظر نرسم

تو کانال بزن
مترو شون هوا رو
آلوده می کنه!



مجتبی
نغمی‌راد

چغوکر استرپ

محمد رضا عارف: هنر «صدای سیمای سرمایه‌سوزی است»

mazdak @goodbye-iran

خیلی موافقم. در همین رابطه باید خدمتون عرض کنم: «خام بدم، پخته شدم، سوخته‌ام» فقط ضعف کارشون اینجا بود که بعد پخته شدن، دیگه زیر رو کم نکردن. هی سوختم، سوختم، سوختم...!

Ahmadinezhad @ame-no-faloo-bard

چون صحبت از سوختن و فرصت‌سوزی شد و هیچ‌کس در این زمینه تجربه‌اش از من بیشتر نیست، یکبار دیگه ارجاعتون میدم به جمله معروفم: «آب رو بریزین اونجایی که سوخته‌ام»

Mahdi Taremi @kheirnat

نه دیگه، نشد. قرار نیست پا تو کفش همدیگه بکنیم. شما از کل جمعیت ۸۰ میلیونی ایران بپرسید بزرگ‌ترین فرصت‌سوزی تاریخ ایران رو کی انجام داده؟ همه بهتون من رو نشون می‌دن!

Afshani @gun-in-music

خداییش از حق نگذیریم تو تلویزیون خیلی زحمت کشیدین که من یک مجری خوب یا یک بازیگر موفق بشم.

Khlabani @vaziri

اینا به خاطر سرمایه‌گذاری روی آدم‌های اشتباه هست. ولی یکی مثال من باعث سربلندی تلویزیون می‌شه. شما برید گوگل چست وجو کنید «سوی» آگه نوی ۱۰ تا پیشنهاد بعدیش، ۹ تا جواد خیابانی نبود، هر چی خواستین بگین!

Kaleh @3-things

اتفاقاً من هم به عنوان یک کارخانه‌دار داشتیم روی آنتن زنده صدا و سیمای به علی ضیا همین رو می‌گفتم که سه چیز هست که تو دنیا طمعش فرقی می‌کنه: پتیر و بوق و بوبوووی! آه! پس چرا تو باز بخش دو تاخ حذف شد؟

Rambod @khandevaneh

راستش منم موندم که الان تو کانادا با این ماجراهایی که پیش اومد، دارم فرصت سوخته می‌شم یا یک جورایی ممکنه بازگشت سرمایه داشته باشیم؟ بین خودمون باشه، خودم بیشتر فکر می‌کنم الان یک لایم که نیم‌سوز شدم و دارم سو سو می‌زنم!

جیک و پوک

اخوانیه

رشیدپوریه

در هر زمانه مجری سیمای رشیدپور خوش‌تیپ و خوش‌صدا و دل‌آرا رشیدپور بیخود که نیست داخل فامیلی‌اش رشید قدش مثال خوب درازا رشیدپور کامبیز و مش‌غلام طرفدار صحبتش ورد زبان عفت و مینا رشیدپور یک مؤمن تمام‌عیار است و پارسا اهل نماز و اسوه تقوا رشیدپور تفریح کرد موقع اوج جوانی‌اش فیفا زد و لواشک فافا رشیدپور از بهر کشورش خلبان شد، بلند شد اما نفرت داخل ناسا رشیدپور شد مجری میتینگ سیاسی اعتدال چون بود حامی حسن آقا رشیدپور دیروز مجری شب بلدا رشیدپور امروز مجری شب احیا رشیدپور حالا عموست قطعا، اگر هم که خاله بود می‌شد سریع مجری پویا رشیدپور هرروز بود! هرشبکه! هرزمان! بله! یک‌دفعه رفت تا به ثریا رشیدپور یک بار بنده قوطی ربی گشودم و دیدم که هست داخل رب‌ها رشیدپور یک‌دفعه خواب دیدم و برخاستم سریع زیرا که بود داخل رؤیا رشیدپور! اینجا رشیدپور، در آنجا رشیدپور! هرجا رشیدپور خدایا رشیدپور! دیدم به خالکوبی دست علی ضیا «سلطان ما به عرصه اجرا رشیدپور» گفتم برای «هفت»، جناب فراسنی از مجریان که بود مقوا؟ - رشیدپور! دیدم به عکس، بینی او گربه‌ای نبود چون کوه بود البته، زیرا رشیدپور جراحی‌اش نکرده خصوصا پلاستیک زیرا که هست ضد مشما رشیدپور گفتم سپید شد به چه دندان خوشگلست گفتا به چارلیتری ریکا رشیدپور یک بار دید داخل تی‌وی تو را سپس دستش بریده دید زلیخا! رشیدپور در باب چهره، نام تو یوزارسیف دو زیبایی از تمام زوایا رشیدپور وقتم تمام گشت و به آخر رسید کار وصفت تمام می‌شود آیا رشیدپور!؟

مصطفی
صاحبی



مدیرکل محیط‌زیست استان : فضای باغ وحش مورد تأیید ما نیست



باغ وحش

خانه خالی

باغ‌وحش چیز خوبی نیست. از باغ‌وحش بوی غم و غصه و افسردگی می‌آید. اگر خواب دیدید که باغ‌وحش رفته‌اید، بدانید دارید به تماشای افسردگی و غصه می‌روید. رفتن به باغ‌وحش با این وضعیت نباید شما را شاد کند بلکه طبیعتا باید افسرده کند. دیدن آدم‌هایی که پفک و چیپس برای سلطان جنگل می‌ریزند دیدن ندارد واقعا. هرچند که مسئولان محیط‌زیست بگویند ما به فضای باغ‌وحش اعتراض داریم و باید فضا بزرگ شود، باز چیزی از این غم عوض نمی‌شود. تازه مسئولان باغ‌وحش هم در جواب مردم که به بی‌حالی حیوانات در باغ‌وحش اعتراض کرده‌اند، گفته است: «ما باغ‌وحش داریم، نه پارک‌وحش» یعنی همین که هست. خیلی هم لطف کردیم این فضا را بهشان دادیم.

خانه خالی فی نفسه مشکلی ندارد. خواهش می‌کنم چپ‌چپ نگاه نکنید. ولی اگر خواب خانه خالی دیدید، ابتدا خونسردی خودتان را حفظ کنید. بعد به سرعت محل را ترک و سعی کنید از این کابوس بیدار شوید. این روزها خانه خالی زیاد است، منتها همین‌جور مفت و مجانی به کسی نمی‌دهند. به گفته مسئولان ما حدود ۲ برابر بقیه کشورها الان خانه خالی در کشور داریم. ولی این خانه‌ها همین‌جور باد هوا می‌خورند؛ چون کسی امکان دادن اجاره‌شان را ندارد. جوانان مشکل مسکن دارند اما برای کسی مشکل جوانان مهم نیست. تازه صاحبان خانه‌های خالی هم اصلا عین خیالشان نیست که خانه‌شان خالی باشد؛ چون تعداد خانه‌هایی که دارند زیاد است و اصلا قدرتش را دارند که قیمت مسکن تعیین و آن را بالا و پایین کنند.

کارتون

دبیر انجمن خودرو سازان : نمی توانیم خودرویی ارزان تر از ۴۵ میلیون تومان تولید کنیم



تذکره شیخنا و مولانا محمدجواد ظریف دام التوئتره باقی

که ما بر تو امید داشتیم. پس فردا پیامی در اینستاگرام داد که «لنا باقی» یعنی تا جان در تن دارم، برای مردم کشورم خدمت خالصانه انجام دهم و جواب دشمنان دهم و از حقوق مسلم و قانونی مردم دفاع همی کنم و این سخنان نقش بر تصویری کرد که هیچ کس نتوانست درست بخواند و این از کرامات ایشان بود.

نقل است حاکم بلاد آمریکا حرف زیاد همی زد و هر روز به توییتر اندرون رفت و سخنی گفت و هربار شیخنا محمدجواد وی را پاسخی دندان شکن داد، آن چنان که هر روز بر تعداد فالوئرهای اکانت شیخنا افزوده شد. پس ترامپ از این حد محبوبیت وی

ترسید و دستور به محدودیت شبکه های اجتماعی وی داد. ظریف گفت: پرو این دام بر مرغ دگر نه، از تو کاری ساخته نباشد که ما از داخل فیلتریم و هیچ هراس از تو

نداریم که «لنا انواع فیلتر شکن». گویند هر توییست که کرد، هفتاد هزار لایک و ریتوییست بگرفت و هفتاد هزار از هیبت آن توییست دیس کانکت گشتند و هفتاد هزار از هوش برفتند. علقه دنیا در دل مولانا ظریف نبود و از زرق و برق آن بریده بود، مگر یک چیز که آن هم «بالکن» بود! پس همواره از وین تا تهران بر بالکن بود و با خبرنگار و مأمور پست و همسایه و دوست و آشنا از بالای بالکن سخن می گفت. نقل است چون ندای ملک الموت شنید، از جا خاست و گفت: صبر کن به بالکن وزارتخانه شوم تا تو را پاسخی گویم که مذاکره بر هر درد بی درمان دواست. پس چون به بالکن رسید، پایش روی پوست موزی که شیخنا تخت روانچی آنجا انداخته بود، لغزید و از بالکن به پایین افتاد و مذاکره آخرش شروع نشده خاتمه یافت، خدایش بیامرزد.



مهدیه جواد

آن داننده غیب، آن عاری از عیب، آن ضاحک فی صورت، آن عاقل فی سیرت، آن ریش پرفسوری، آن دشمن دیکتاتوری، آن غلبه کننده بر حریف، شیخنا و مولانا محمدجواد ظریف. وی را کرامات بسیار بود و اول کرامت اینکه بیرونش بقیه را کشته و در داخل کیهان او را کشته بود. چنان که روزی کیهان تیتری زد و وی را کمر بگرفت. علت از وی پرسیدند، گفت: قلب ما نشانه گرفته بودند، جاخالی دادم، به کرم خورد! وی را سخنان حکیمانه بسیار بود. چونان که گفت: «هیچ وقت یک ایرانی را تهدید نکن» و جای دیگر گفت: «خانم شام چی داریم؟» و گفت: «چه اون کولر رو خاموش کن، چاییدیم».

چون از مادر زاییده شد و قابله بر پشت وی زد، به زبان درآمد که «dont hit me. Let talk about it». که یعنی من را نزن، بیا با مذاکره حلش کنیم. جملگی شنوندگان و حاضران با شنیدن این سخن جامه دریدند و از هوش برفتند و بزرگی به میان آمد و گفت: اگرچه اسمش ظریف است ولی در مذاکره چغر و بد بدن خواهد بود و طالعش در وزارت خارجه نقش بسته است.

آورده اند که حضورش همواره باعث شعف بود. چون روزی خبرنگاران وی را در راه دیدند، پرسیدند منتظر بمائیم؟ گفت: «نعم» همه بخندیدند که هیچ کس نتواند با «نه» ملت را بخنداند و او نتوانست. وی را هوش و درایت بسیار بود. چونان که روزی به مذاکره هسته ای اندرون بود و برجام خواست که به تصویب رساند و خبر باید به رئیس جمهور رساند. از تعداد جاسوس که در آن سرای بود، به زبان «سرخای» مکالمت کرد و جمله جاسوسان فر خوردند.

نقل است روزی بر طریق استغفا وارد شد و گفت من دیگر نتوانم که به وزارتخانه خارجه وزارت ورزم. وی را جواب ها و ریپلای ها داشتند که ای جواد! از چه خواهی دولت را ترک گویی

نیشن ترمز!

(قسمت بیست و سوم)

- آفتاب اقتصادی - نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه: پول نفت را خوب مدیریت نکرده ایم.
- عیب نداره، بقیه چیزها غیر از پول نفت رو خوب مدیریت کردید، این به اون در!
- آفتاب - مدیرعامل سایپا ممنوع الخروج شد.
- مردم: خروجش رو آزاد کنید تا بره اون ور دنیا هم کارخونه بزنه و بقیه جهانیان هم بتونن از پراید و تیبیا استفاده کنن.
- آفتاب اقتصادی - آذری جهرمی: مسئولان نباید خود را از مردم جدا کنند.
- مسئولان: باشه جدا نمی کنیم. هنوز دو، سه تا فن دیگه مونده رو مردم اجرا کنیم.
- ابتکار - محمدرضا عارف: هنر صداوسیما سرمایه سوزی است.
- یک مسئول در صداوسیما: تازه غیر از سرمایه سوزی، فرصت سوزی و بودجه مملکت سوزی و مجری سوزی هم بلدیم.
- اطلاعات - نایب رئیس مجلس: سیاست وزارت بهداشت در رابطه با درمان غلط است.
- وزارت بهداشت: ولی ما درباره درمان سیاستی در پیش نگرفته ایم که بخواد غلط باشه یا درست!
- خراسان - قالیباف: مجلس باید کارآمد باشد.
- این یعنی شما علاوه بر نامزد ریاست جمهوری بودن، نامزد مجلس هم می خوای بشی؟
- مردم سالاری - رئیس سازمان بهزیستی: فرایند فرزندخواندگی تسهیل و تسریع می شود.
- یعنی می شه ما فرزندخوانده کسی بشیم که آقا زاده ش رفته خارج و الان فرزندی نداره!؟
- آفتاب - عضو کمیسیون اجتماعی مجلس: فقر و بیکاری، عامل پدیده ماشین خوابی.
- یک ماشین خواب: البته زیاد هم بد نشدا چون همیشه تو ماشین هستم، لازم نیست پول دزدگیر و قفل فرمون بدم!



مهدی محمادی



برنج



خواب برنج نشانه ثروت و مالی است که به زندگی تان وارد خواهد شد. پس هر چه برنجش بیشتر قد بکشد، پول دارتر می شوید. برنج را به اندازه کافی بجوشانید تا حسابی ری کند. دقت کنید شفته نشود! اما طبق اعلام یکی از خبرگزاری ها قیمت برنج به تازگی ۲۵ درصد افزایش داشته است. پس اگر خواب برنج دیدید که به صورت پلو بریزد: زیرا با این وضعیت کم کم باید به کمتر برنج دیدن در بیداری هم عادت بکنید. تازه می خواستم بگویم شام بیشتر بخورید تا به علت پر خوری خواب های عجیب و غریب مثل خوردن شیشلیک و ماهیچه و از این قبیل ببینید که با این قیمت ها واقعا آدم نمی داند چه باید بخورد که پر خوری حساب بشود!

بیداری



اگر خواب این را دیدید که کسی از شما پرسید «بیداری؟» بدانید که کسی قصد ورود به حریم خصوصی شما را دارد. ولی عجب تناقض جالبی شد! فکر کنید شما خواب هستید و یک نفر از شما می پرسد بیدارید یا نه! بدانید که وقتی یک نفر از شما می پرسد خواب هستید یا بیدارید، سوالات بعدی اش خطرناک تر خواهد بود. مثلا ممکن است پرسیده شود: «چه پوشیده اید؟ چون هوا گرم است و دیگران نگران هستند شما لباس زیادی پوشیده باشید». یا ممکن است خواسته بعدی این باشد که دایرکت خراب شده بیا بیدار دایرکت تا پیدایتان کنم. به هر حال جواب سؤال «بیداری؟» را ندهید تا بقیه مسائل پیش نیاید. حالا این سؤال را هر کسی پرسیده باشد؛ وزیر جوان یا هر کس دیگر!

فوتوکاتور

بازدید جهانیگری از آزمون استخدامی آتش نشانی در استان خراسان رضوی



پسرم شما با این وضعیت بری برای امداد رسانی که تلفات بیشتر می شه!

آخه موهام رو آرایش لوزی کردم که کلاه عینک افتایی هم زدم که نور آتش سوزی آذینم نکنه.

بازدید مهدی قاج، رئیس فدراسیون فوتبال ایران از روزنامه شهر آرا



شهر آرا ورزشی رو که دیدم، بوگوی ببینم این «پلخمون» کدومس که هی ما رو سوزه موکوند؟

پلخمون؟ نشنیدم تا حالا!

آخ آخ، پیامک دادن کار فوری پیش اومد، من رفتم!

اونا همش شوخیه بابا، شما جدی نگیرین.

مراسم قرعه کشی لیگ نوزدهم در مشهد



آخ آخ! همسر استراماچونی استوری کرده که شاید سرمربی استقلال بخواد استعفا بده.

جان جواد؟ زود تکذیبیه منتشر کنین تا بعد بریم ببینیم راسته یا نه.



مجتبی نخعی راد

سنگ چین

زوایای پنهان افتتاح ایستگاه جدید قطار شهری

در راستای اینکه فکر نکنید ما در پلخمون زیر باد کولر لم داده ایم و نوک تیز پیکان پلخمونمان، دسته خودش را نمی برد و فقط مرغ همسایه غاز است! یکبار دیگر رقییم سراغ اقدامات شهرداری خودمان و حواشی افتتاح ایستگاه جدید قطار شهری مشهد را خوب بالا و پایین و چپ و راست و بعضا شمال و جنوب کردیم و زوایای پنهان آن را از زبان بقیه کشیدیم بیرون و ریختیم روی دایره... بفرمایید تا از دهان نیفتاده دور هم باشیم:

شهردار (با گردن بسته و پای گچ گرفته): از اینکه همه دوستان سنگ های جلو راه را برداشتند و مسیر را هموار کردند تا بتوانیم ایستگاه جدید را افتتاح و خط ۴ را شروع کنیم، تشکر می کنم. آخ... جای مصدومیت قبلی ام هنوز خوب نشده، حداقل بذارین کلام منعقد بشه... آقای راننده... دست اندازها رو آروم تر رد کن!

جهانیگری: مردم عزیز ایران، خاطرتان هست گفتیم شهردار جوان با ذکوت بدهی ۴۴۰۰ میلیاردی شهرداری را به گردن دولت انداخت؟ همین جور شوخی شوخی جدی شد، بانک پیامک زده میای تسویه کنی یا بیاییم تسویهات کنیم؟ چرا آخه! اومدیم یک قطار شهری افتتاح کنیم داستان شد حداقل



عبدال... مقدمی

سنگ آخر

اقامت در پمپ بنزین

یادش بخیر، انگار همین دیروز با دیشب بود که همین طوری یکپویی ریختیم توی پمپ بنزین ها و باک و دیبه و آفتابه و چهل لیتری و بطری آب معدنی و شیشه نوشابه و کفش و کلاهمان را پر کردیم. البته این پایان راه نبود و ما تا ثانیه های آخر همچنان خستگی ناپذیر و مصمم، هر چیز دیگری که می شد تیش یک سی سی بنزین نگه داشت را هم پر کردیم. بعد از آنکه سوت پایان بازی بنزین بی حساب زده شد، همه مان خیالمان راحت شد که ضرر نکردیم، واقعا هم سود کردیم ها. یعنی فکرش را بکنید که هر کدام از ما چیزی حدود نصف روز بنزین داشتیم، البته آن زمان ها نصف روز خیلی بود!

خلاصه که از فردای آن شب پرهیجان، بنزین فقط با کارت سوخت تحویل هم وطنان شد، هم وطنان خوب و فهمیده و بیدار و غیور هم از فردای آن شب کذایی، یک استرس بزرگ به استرس های قبلی شان اضافه شد؛ نشانگر بنزین. آن ها هر روز موقع استارت خط های روی امپر بنزین را می شمردند و آرزو می کردند بیشتر دوام

یادش بخیر، انگار همین دیروز با دیشب بود که همین طوری یکپویی ریختیم توی پمپ بنزین ها و باک و دیبه و آفتابه و چهل لیتری و بطری آب معدنی و شیشه نوشابه و کفش و کلاهمان را پر کردیم. البته این پایان راه نبود و ما تا ثانیه های آخر همچنان خستگی ناپذیر و مصمم، هر چیز دیگری که می شد تیش یک سی سی بنزین نگه داشت را هم پر کردیم. بعد از آنکه سوت پایان بازی بنزین بی حساب زده شد، همه مان خیالمان راحت شد که ضرر نکردیم، واقعا هم سود کردیم ها. یعنی فکرش را بکنید که هر کدام از ما چیزی حدود نصف روز بنزین داشتیم، البته آن زمان ها نصف روز خیلی بود!

خلاصه که از فردای آن شب پرهیجان، بنزین فقط با کارت سوخت تحویل هم وطنان شد، هم وطنان خوب و فهمیده و بیدار و غیور هم از فردای آن شب کذایی، یک استرس بزرگ به استرس های قبلی شان اضافه شد؛ نشانگر بنزین. آن ها هر روز موقع استارت خط های روی امپر بنزین را می شمردند و آرزو می کردند بیشتر دوام

چفک دل

غلام همت راننده ام

درباره راننده اتوبوس مشهدی که دلارهای گمشده زائری را به صاحبش بازگرداند.

غلام همت سروم که این قدم دارد و سرو ما ز تمام جهان چه کم دارد؟ غلام همت راننده ام که در دل خود اگر چه مثل تمام صوف غم دارد ولی به خاطر ایمان و تربیت دریافت دلی رحیم و مسلمان و محترم دارد تمام روز به دنبال روزی پاک است و نیم نگاهی به جانب حرم دارد اگر چه خنده به لب دارد و دلش دریافت نگاهش از غم این روزگار نم دارد شبیه ما، خود ما، اهل کوچه ای بن بست غمی به سینه و با حال زائران شاد است نه اهل بغض و ریا، بلکه اهل آبادی است رفیق محترم باغ خرم شادی است کسی که با دل شاد بقیه خرسند است غمش برای خودش، لب غرور لبخند است در این زمانه پر اختلاس نامیمون در این حوالی کینه حوالی داغون در این زمانه ناشو که بیش و کم دزدند به ظاهر آدم و انسان و محترم دزدند در این زمانه که از آب جوب می دزدند تمام هستی ما را چه خوب می دزدند ولی تو آمده ای تا به ما بیاموزی چگونه پاک بماند برایمان روزی

ناشو: کتیف به لجه مشهدی
جوب: جو به لجه مشهدی

شهر تلوغ

